

آیا هدف و آینده‌ی زندگی‌ام روشن است؟

زندگی، مجموعه‌ای از مسیرها و هدف‌هاست. تا هدف معین نباشد، مسیر معنی ندارد. زندگی، مجموعه‌ی هدف‌هایی است که به دست تو محقق می‌شود. بی‌هدف بودن، یعنی دور خود چرخ زدن؛ یعنی گیج و گنگ ره‌سپردن. بی‌هدف بودن، تو را دچار روزمره‌گی می‌کند. وقتی هدفی نداری که برای دستیابی به آن تلاش کنی، فروغ زندگی از تجلی می‌افتد و زیبایی در چشم، رنگ می‌بازد. داشتن هدف، تو را از تقلید کورکورانه می‌رهاند و از گم‌شدن در راهی که راه تو نیست و توقف در ایستگاهی که تو را به رکود می‌کشاند، بازمی‌دارد.

هدف، تو را به تحرک وامی‌دارد و تو را با استعدادها و توانمندی‌های بی‌کران درونت، آشنا می‌کند و به این ترتیب، پا به فراسوی محدودیت‌ها و نابوری‌ها گذاشته، با خود برتر خویش، آشنا می‌شوی.

در بی‌هدفی، انسان روحیه‌اش را می‌بازد و نظام باورهاش فرومی‌پاشد. وقتی بی‌هدف هستیم، دیگران به راحتی، ما را به بیگاری گرفته و وقت ارزشمند ما را تلف می‌کنند. چون فکر ما سازمان‌یافته نیست و اندیشه و عمل ما جهت ندارد، هر لحظه بازخوردهای منفی را از محیط می‌گیریم و دیگران نیز اطلاعات اشتباه خود را در قالب بیان واقعیت، به ما دیکته می‌کنند.

داشتن هدف، برنامه‌ریزی در پی دارد؛ داشتن برنامه، هدف‌ها را محقق می‌سازد و برنامه‌ریزی درست، موفقیت می‌آفریند. انسانی که هدفی دارد و برنامه‌ای را تعقیب می‌کند، در زندگی‌اش تغییر آفریده و تقدیر را آن‌گونه که می‌خواهد، رقم می‌زند. او در مسیری گام برمی‌دارد که کاینات، فرارویش گشوده است و روی فرشی از بال‌های فرشتگان، پا می‌گذارد. خدا او را به پیش می‌راند و هوش بی‌کران و خرد لایتناهی هستی، حمایتش می‌کند.

انسانی فردا به دستاوردی می‌رسد که امروز، رؤیایی در سر داشته باشد و در این میان، تنها انسان هدفمند و جهت‌یافته، به رؤیاهایش جامه‌ی عمل می‌پوشاند. انسان هدفمند برای رسیدن به آن‌چه برنامه‌ریزی کرده، لحظه‌ای درنگ نمی‌کند و مراقب است تا به بیماری «امروز و فردا کردن»، مبتلا نشود.

اگر فقط برای زنده بودن، زندگی نکنی و مفهوم‌های عالی و مضمون‌های بلند در تو جان بگیرند و در وجودت متبلور شوند، آن‌گاه زندگی برایت همان باغی خواهد شد که چهار فصلش همه آراستگی است. انسان‌های بزرگ از زندگی، بزرگ‌ترین‌ها و عالی‌ترین‌ها را می‌خواهند اما انسان‌های کوچک، هدف‌ها، آرزوها و خواسته‌های کوچکی داشته و رؤیاهای حقیری در سر می‌پروراند.

پس بیا بزرگ باشیم و بزرگ ببندیشیم؛ چراکه این حق ما و فلسفه‌ی بودن ماست. گنج سرشار هستی از آن ماست، چگونه می‌توانیم به دانه‌ی مرواریدی قناعت کنیم؟

برای رسیدن به هدف، باید از کوره‌راه‌ها و سنگلاخ‌های زندگی بگذری، باید بیفتی و دوباره برخیزی، شکست بخوری و درس بیاموزی تا قوی‌تر و مجهزتر از قبل، ظاهر شوی. اصلاح لحظه‌به‌لحظه و اقدام مداوم را همواره مدنظر قرار بده و لحظه‌ای از آرمان مطلوب و هدف محبوب خود، چشم بردار. این است رمز موفقیت تمامی انسان‌های بزرگ که در دنیا حرفی برای گفتن داشته‌اند.

داشتن هدف در زندگی، از افراد معمولی، انسان‌هایی اسطوره‌ای می‌آفریند و خلاقیت، سازندگی و بالندگی را در نهاد هر فرد، بیدار می‌کند. هدف، به تمام جریان‌های متضاد و ضد و نقیض که چون گردابی در درون می‌چرخند و می‌جوشند، جهت می‌دهد و به تمام سرگردانی‌ها و پریشانی‌ها، سر و سامان داده و فرد را به تعادل می‌رساند.

خدا یا! هدف‌های ما عالی‌ست، تو خود، آن‌ها را متعالی فرما. هدف‌های ما، زندگی‌ساز است؛ تو خود، آن‌ها را انسان‌ساز نما. هدف نهایی ما دست‌یابی به حد نهایی و رسیدن به درگاه تو خدای بزرگ است. از تو کمک خواسته و از تو یاری می‌جوییم. یاری‌مان فرما.

دکتر علیرضا آزمندیان
بنیان‌گذار تکنولوژی فکر



جهت تهیه‌ی سی‌دی سمینار بزرگ راز
و محصول‌های تکنولوژی فکر با دفتر مجله تماس بگیرید.